

بررسی فقهی شرکت کارکنان در مراسم مذهبی در ساعات کار

ام البنین صیدانلو^۱

چکیده

یکی از نیازهای فطری آدمی، معنویت است. این نیاز را از روش‌های مختلف می‌توان برطرف کرد، مانند خواندن نماز، قرائت قرآن، ارتباط با خداوند. یکی از راه‌هایی که برای رفع نیاز فطری انسان به معنویت وجود دارد شرکت در مراسم مذهبی است، از قبیل مراسم ولادت امامان معصوم (علیهم‌السلام) یا مراسم شهادت ایشان، قرائت دسته‌جمعی زیارت عاشورا و مانند آن. امروزه، بر اساس بخش‌نامه سازمان‌ها و ادارات دولتی بعضی مراسم مذهبی به صورت الزامی در ساعت اداری برگزار می‌گردند. در پاسخ به این سوال که حکم فقهی این مراسم چگونه است؟ شرکت در مراسم واجب، از آن جهت که بر انسان واجب است، چیزی را نمی‌توان بر آن مقدم دانست. از همین رو، موضوع مقاله، شرکت کارمندان در مراسمی است که مستحب شمرده شده و انسان‌ها، تنها برای به دست آوردن فضیلتی در آن شرکت می‌کنند. این پژوهش به روش تحلیلی و با استفاده از منابع معتبر فقهی به این نتیجه رسیده است که شرکت در مراسم عبادی در ساعات اداری جایز نیست، مگر آن بخشی که اداره کار اجازه داده و البته هیچ تنافی با کار ارباب‌رجوع نیز نداشته باشد.

کلیدواژه: کارمند، مراسم مذهبی، ادارات دولتی، شرکت‌های دولتی.

^۱ سطح سه فقه و اصول، مرکز آموزش غیر حضوری حوزه علمیه خاوران، قم sidanlo1396@gmail.com

کار، به عنوان فعالیتی که متشکل از اعمال قوه فکری یا دستی که در برابر آن، مزد، حقوق یا حق الزحمه کار و کسب گرفته می‌شود. (اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ص ۵۸۷) یکی از موضوعاتی است که در فقه و قانون به آن توجه خاصی شده است. از گذشته، کار و کارگری در شکل اجاره و اجیر، و به عنوان نوعی از عقود مطرح بوده و در فقه اسلامی کتابی به عنوان اجاره را به خود اختصاص داده است. در کتاب‌های فقهی اجاره به معنای عقد تملیک عمل و یا منفعتی معین در برابر عوض معلوم به کار رفته است. (ایروانی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۹۲)

وقتی صحبت از کار می‌شود علاوه بر اجاره بحث جعاله، قرارداد کار معین، حق العمل و تعهد کاری هم مطرح می‌گردد. امام خمینی در این زمینه بیان می‌دارد: «وقتی اجیر، خود را، به طوری که تمام منافع او در مدت معینی ملک مستأجر باشد، به اجاره درآورد، برای اجیر جایز نیست که در آن مدت، برای خود یا دیگری- نه تبرعاً و نه به طور جعاله یا اجاره- کاری انجام دهد» (خمینی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱، ص ۵۳۳). و بر اساس قانون کار در جمهوری اسلامی ایران، یک کارگر یا کارمند باید ساعات کار را در محل کارش حاضر شود؛ در ماده ۵۱ قانون کار، ساعت کار اینگونه تعریف شده است: «ساعات کار در این قانون مدت زمانی است که کارگر نیرو یا وقت خود را به منظور انجام کار در اختیار کارفرما قرار می‌دهد.» (ماده ۵۱ قانون کار) و اوقات استراحت و صرف غذا جزو ساعات کار محسوب نمی‌شود.

بنابر این، برای کارگر یا کارمند لازم است در ساعات کار، غیر از آنچه بدان موظف شده کار دیگری انجام ندهد؛ اما چه بسا دیده می‌شود که در بعضی ادارات، در همان ساعات اولیه روز مراسم مذهبی برپا می‌کنند. از آنجا که ساعات کار، زمانی است که بر کارمند لازم است در محل کارش حضور داشته باشد، مقاله حاضر درصدد است تا به این سؤال پاسخ دهد که حکم فقهی شرکت کارمندان و کارگران در ساعات اداری در مراسم مذهبی چیست؟

شرکت در مراسم واجب، از آن جهت که بر انسان واجب است و چیزی را نمی‌توان بر آن مقدم دانست. پس، مورد بحث این پژوهش نیست. هر چند تنها واجبی که مضیق است حجج می‌باشد و سایر واجبات، یا تعارضی با کار کارمند ندارند، مانند روزه، و یا واجب موسع هستند که غیر از ساعت اداری نیز می‌توان آن را به جا آورد، مانند نماز. از همین رو، موضوع مقاله، شرکت کارمندان در مراسمی است که مستحب شمرده شده و آنان، تنها برای به دست آوردن فضیلتی در آن شرکت می‌کنند.

این نوشتار در صدد است تا با مراجعه به کتاب‌های معتبر فقهی، در ابتدا اقوال فقیهان و سپس ادله آنها را درباره جواز یا عدم جواز عمل اجیر برای غیر مستأجر را بررسی کند، و در آخر به تطبیق آن با شرکت کارکنان در مراسم مذهبی می‌پردازد.

۱ حکم فقهی عمل اجیر برای غیر مستأجر

کارمند در لغت کسی است که به ازای انجام کاری در دستگاهی اداری، حقوق دریافت می‌کند و بناست که به طور درازمدت اشتغال داشته باشد (دهخدا، ذیل واژه «کارمند»). از نظر عرف نیز، کارمند به شخصی گفته می‌شود که در یک دستگاه، ارگان یا سازمان مشغول به کار است.

در تعریف حقوقی از کارمند، طبق ماده یک قانون استخدام کشوری مصوب سال ۱۳۴۵ هر شخصی به خدمت در یکی از وزارتخانه‌ها یا شرکت‌ها یا مؤسسه‌های دولت پذیرفته شود، مستخدم دولت محسوب می‌شود. قانون مدیریت خدمات کشوری سال ۸۶ به جای کلمه «مستخدم» از اصطلاح «کارمند» استفاده کرده که در ایران اصطلاحی رایج است. طبق این قانون، کارمند دستگاه اجرایی «فردی است که بر اساس ضوابط و مقررات مربوط، به موجب حکم یا قرارداد مقام صلاحیت‌دار، در یک دستگاه اجرایی به خدمت پذیرفته می‌شود.» در واقع، به استناد احکام و مستندات قانونی، کارمند کسی است که در یک دستگاه اداری و اجرایی فعالیت داشته باشد.

اصطلاح کارگر و کارمند به لحاظ عرفی و قانونی با یکدیگر متفاوت است هر چند که در این زمینه اختلاف نظر وجود دارد. البته تفاوت چندانی بین کارگر و کارمند وجود ندارد و هرکدام در مجموعه‌ای که کار می‌کنند، یک سری وظایف مشخصی دارند. در واقع اصطلاح کارگر در قانون کار حصری نمی‌باشد و کلیه افرادی که برای کارفرما کار انجام می‌دهند، به عنوان کارگر شناخته می‌شوند. (عابدی، ۱۴۰۰)

قانون تکالیف، صلاحیت‌ها و وظایفی را بر عهده کارمند گذاشته است که در یک جمع‌بندی می‌توان گفت از نظر قانون، کارمند خوب کارمندی است که تکالیف و وظایف قانونی خود را چه از نظر تکالیف فردی و چه از نظر تکالیف جمعی و گروهی که در قوانین و مقررات استخدامی، اعم از قانون استخدام کشوری سابق و قانون مدیریت خدمات کشوری تصویب شده است، انجام دهد.

فعالیت کارمند در علم فقه با عنوان «اجیر خاص» منطبق است، و از آنجا که مسئله مورد بحث درباره فعالیت کارمند در غیر از وظایف محوله در ساعات کاری است، در ادامه حکم فقهی عمل کارمند و کارگر برای غیر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱،۱ اقوال فقیهان

وقتی کسی خود را به طوری که تمام منافع او در مدت معینی ملک مستأجر باشد به اجاره درآورد، برای اجیر جایز نیست که در آن مدت، برای خود یا دیگری کاری انجام دهد. این مسئله مورد تأیید فقیهان می‌باشد. (علم الهدی، بی‌تا، ص ۴۶۶؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۴۷۰؛ محقق حلی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۱۶؛ ابن زهره، بی‌تا، ص ۲۸۸؛ شهید ثانی، ۱۳۸۶-۱۳۹۸، ج ۴، ص ۳۴۴) برای نمونه: شیخ طوسی می‌گوید: «اجیر خاص، هرگاه خودش را برای مدت معینی اجاره کند مستأجر عمل و منافعه را مستحق می‌شود. پس لازم است که اجیر در آن مدت فقط برای مستأجر عمل کند، و جایز نیست که برای غیر او کار انجام دهد.» (شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۲۴۲) رشتی معتقد است، حق مستأجر در عمل اجیر خاص است، چون این تکلیف به سبب عقد آمده است و هر تکلیفی مقتضای عقد است. (رشتی، ۱۳۱۱، ج ۱، ص ۲۶۰)

شیخ عباس قمی بیان می‌دارد: «اجیر خاص بر چند وجه ممکن است اول آنکه نفس خود را اجیر داده باشد که تمام منافع او در مدت معین ملک مستأجر باشد. دوم آنکه در آن مدت منفعت خاصه او مثل خیاطت از او باشد. سوم آنکه خودش را اجیر داده برای مباشرت عملی در مدت معینه. چهارم آنکه اعتبار مباشرت یا اعتبار وقوع عمل در آن مدت یا هر دو به شرط باشد نه به قید. پس اجیر در تمام این وجوه جایز نیست که در آن مدت برای خود یا برای دیگری به اجاره یا به جعاله یا به تبرع عملی کند که منافی حق مستأجر باشد مگر به اذن او. مثل تعیین مدت است تعیین اول زمان عمل به طوری که کاشف باشد از آنکه تا آخر عمل راضی به سستی در آن نیست بلی کاری که منافی حق او نباشد عیبی ندارد» (قمی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۵۰)

در مورد اجاره انسان به صورت خاص، حضرت امام خمینی (قدس سره) چنین بیان می‌دارد: اگر فردی خود را برای انجام عمل معین در مدت زمان مشخص اجیر دیگری نماید، مستأجر تمام منافع اجیر را در این مدت مالک است و اجیر اجازه ندارد در آن مدت برای خود یا دیگری کاری انجام دهد، مگر کارهایی که اجاره شامل آن نشده و منافاتی با آن چه که برای آن اجیر شده نداشته باشد. به عنوان مثال، اگر اجیر برای انجام عمل در روز اجیر شده می‌تواند در شب برای خود یا دیگری، کار انجام دهد و این در

صورتی است که انجام کار در شب به کاری که در روز برای آن اجیر شده لطمه‌ای وارد نکند. همچنین در صورتی که فرد برای یک روز خیاطی اجیر کرده باشد، می‌تواند در همان روز برای خود یا به نیابت از دیگری روزه بگیرد. البته در صورتی که روزه موجب ضعف وی در کار نشود؛ بنابراین در صورتی که اجیر در مدت اجاره عملی را انجام دهد که با آنچه برای آن اجیر شده منافات ندارد. مستأجر اختیار خواهد داشت عقد اجاره را فسخ نموده و اگر اجرت را به اجیر پرداخت کرده از وی پس بگیرد و یا این که عوض منفعتی را که از دستش رفته از اجیر مطالبه نماید. (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۵۸۰)

پس، بنا بر نظر فقیهان، کسی که خود را اجیر برای کاری می‌کند جایز نیست برای غیر از مستأجر عملی انجام دهد.

۱،۲ ادله عدم جواز عمل اجیر خاص برای غیر مستأجر

فقیهان در این مورد، به ادله مختلف استناد کردند؛ که در ذیل به آن اشاره می‌شود:

۱،۲،۱ لزوم وفای به عهد

بعضی از فقیهان آیه «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» را مورد استناد خویش قرار دادند. «عقد» در لغت، به معنای گره زدن، بستن و محکم کردن چیزی است (جوهری، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۵۱۰؛ احمد ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۸۶؛ اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۷۶) و در زبان شرع، به معنای قرارداد و پیمان بستن می‌باشد. (اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۳۴۱) قرآن کریم با جمله «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (مائده، (۵) آیه ۱) عمل به پیمان‌های صحیح و انسانی را واجب کرده است.

عقد قرارداد بین دو نفر، گویا رشته‌ای است که از دو طرف بسته شده باشد. پس آیه دلالت دارد بر وجوب عمل بر طبق قرارداد واقع بین خدا و خلق و هر قراردادی که مردم بین خودشان مقرر داشته باشند. (ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۱۶۷) «وفاء» بمعنی ترتیب اثر است و العقود جمع محلی به الف و لام مفید عموم است. بنابر این، مراد از عقود مطلق قرارداد خواهد بود و شامل جمیع معاملات بین المسلمین می‌شود؛ بیع، صلح و اجاره حتی شروط ابتدائیه. (طیب، ۱۳۷۸، جلد ۶، ص ۲۸۹)؛ بنابراین، طبق این آیه، هرگاه کسی اجیر شود تا کاری را برای دیگری انجام دهد در واقع با ایشان عهد بسته کارش را در زمان معینی انجام دهد، باید به عهد خود وفا کند و در آن موقع برای خود و یا غیر خود کاری نکند.

نتیجه گیری

کسی که خود را اجیر برای کاری می کند جایز نیست برای غیر از مستأجر عملی انجام دهد؛ زیرا بر اساس آنچه از آیات، روایت، اجماع و قواعد فقهی استنباط می شود، هرگاه شخصی، اجیر برای عملی می شود، نباید در آن زمان معین برای شخص دیگری کار کند؛ مگر اینکه به اذن مستأجر باشد.

در ادارات دولتی، همه کارکنان آن حتی مدیری که در آن ریاست می کند اجیر دولت است و باید در خدمت دولت باشد، و از آنجا که هدف از تأسیس این ادارات خدمت رسانی به مردم است؛ بنا بر اصل تداوم خدمات عمومی، خدمات باید به شکل مداوم و بی وقفه ارائه گردند. پس، شرکت در مراسم مذهبی، در ساعات اداری برای کارمندان، فی نفسه جایز نیست، مگر اینکه کارمند برای این کار اذن داشته باشد، مانند شرکت در فعالیت های فرهنگی هفتگی ادارات دولتی که در غالب ادارات آن فعالیت را اجرا می کنند.

در شرکت های خصوصی، اگر وظیفه تولید را به عهده دارند و کارفرما هم اجازه می دهد تا افراد در مراسم مذهبی شرکت کنند، در اینجا چون؛ مراجعه کننده ندارد، می توانند طبق قانون شرکت کار کنند؛ اما اگر ارباب رجوع داشته باشد، نباید حق آنها را ضایع کنند.

در پایان، هرچند انجام مراسم مذهبی مستحب است و باعث آرامش و دل بستگی به خدا و تزکیه نفس می شود، ولی خدمت به خلق نیز عبادت است. از آنجایی که شرکت در مراسم مذهبی در ساعت اداری، وقت مردم گرفته می شود، و باعث بی توجهی به زمان آنها می شود، در واقع حق الناس می شود، و می توان گفت ضرر هم بر آنها وارد می شود.

فهرست منابع

• قرآن کریم

۱. ابن ادریس، احمد بی جعفر، السرائر، ۳ جلد، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.
۲. ابن زهره حلبی، سید حمزه بن علی، غنیة النزوع إلى علمی الأصول والفروع، محقق شیخ ابراهیم بهادری، ۱ جلد، مؤسسه امام صادق (علیه السلام)، ۱۴۱۷ ق.
۳. احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقائیس اللغة، ۶ جلد، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم - ایران، چاپ اول، ۱۴۰۴ ه ق

۴. اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائده و البرهان در شرح ارشاد الاذهان، محقق شیخ مجتبی عراقی، ۱۴ جلد، مؤسسه نشر اسلامی.
۵. اسفندیاری، آمنه، مهر ۱۳۹۱، (تاریخ دسترسی: ۱۸ اردیبهشت ۹۸)
<https://article.tebyan.net/223227>
۶. اصفهانی، ابراهیم، نگاهی به عوامل جامعه شناسی و روان شناختی دین گریزی، معرفت، ش ۸۲، ۱۳۸۲.
۷. اصفهانی، راغب، مفردات الفاظ قرآن، تحقیق صفوان، عدنان داوودی، بیروت، انتشارات دارالاسلامیه، بی نا، ۱۴۱۲ ه ق.
۸. امامی، محمد و کوروش استوار سنگری، حقوق اداری، ۱ جلد، تهران، میزان، چاپ ۱۲، ۱۳۸۹.
۹. امیر ارجمند، اردشیر، جزوه حقوق اداری (۱)، دوره کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۱.
۱۰. امین، موتور جستجوی پرسش و پاسخ دینی، <http://aminsearch.com>
۱۱. انصاری، مرتضی بن محمدامین، فوائد الاصول، ۱ جلد، تهران، شمس تبریزی، چاپ اول، ۱۴۲۶ ق.
۱۲. انصاری، مرتضی بن محمدامین، مکاسب، ۶ جلد، قم، تراث شیخ اعظم، چاپ اول، ۱۴۱۵.
۱۳. ایروانی، باقر، دروس تمهیدیه فی الفقه الاستدلالی، ۴ جلد، قم، نشرهاجر، چاپ دوم، ۱۳۹۲.
۱۴. بحرانی، آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم، الحقائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، ۲۵ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، چاپ اول، ۱۴۰۵ ه ق.
۱۵. بهجت فومنی، محمد تقی، وسیله النجاة، در یک جلد، قم، شفق، چاپ دوم، ۱۴۲۳ ه ق
۱۶. پاکدامن، رضا، رویکردهای اجرایی و مبانی قانونی خصوصی سازی، تهران، مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۱۷. پرسمان دانشجویی، مهر ۱۳۹۲، (تاریخ دسترسی: ۱۸ اردیبهشت ۹۸)
<https://www.porseman.com/article>
۱۸. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، محقق، رجایی، سید مهدی، ۱ جلد، قم، دارالکتاب الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰.
۱۹. ثقفی تهرانی، محمد، تفسیر روان جاوید، ۵ جلد، تهران، انتشارات برهان، چاپ سوم، ۱۳۹۸ ق.

۲۰. جوادی آملی، عبدالله، استفتائات، بی تا، (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۸/۰۴/۱۵)

<http://javadi.esra.ir/archive-esteftat1>

۲۱. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة، ۶ جلد، دار العلم للملایین،

بیروت - لبنان، چاپ اول، ۱۴۱۰ هـ ق

۲۲. حر عاملی، محمد بن حسن بن علی بن محمد بن حسین، وسائل الشیعه، ۳۰ جلد، قم، آل البيت،

۱۴۱۴ ق.

۲۳. حسینی پور اردکانی، سید مجتبی، نظام حقوقی حاکم بر مؤسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی،

تهران، جنگل، چاپ اول، ۱۳۸۹.

۲۴. خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، ۲ جلد، قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ ششم، ۱۴۱۷ ق.

۲۵. رشتی، میرزا حبیب الله، بدائع الافکار، ۱ جلد، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث،

چاپ اول، بی تا.

۲۶. رشتی، میرزا حبیب الله، کتاب الاجاره، اجلد، بی نا، ۱۳۱۱.

۲۷. رضایی زاده، محمد جواد؛ داود کاظمی، بازشناسی نظریه «خدمات عمومی» و اصول حاکم بر آن در

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مقاله ۲، دوره ۳، شماره ۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۱.

۲۸. سبحانی تبریزی، جعفر، الموجز فی اصول الفقه، ۲ جلد، قم، مؤسسه امام صادق (علیه السلام)،

چاپ دوم، ۱۴۲۰ ق.

۲۹. سبحانی تبریزی، جعفر، الصوم فی الشریعة الإسلامیة الغراء، ۲ جلد، قم، مؤسسه امام صادق علیه

السلام، چاپ اول، ۱۴۲۰ هـ ق

۳۰. شمس، عرفان، نقش نهادهای مقررات گذار در تنظیم خدمات عمومی، فصلنامه اطلاع رسانی

حقوقی، ش ۱۹ و ۲۰، ۱۳۸۸

۳۱. شهید ثانی، زین الدین بن علی، الروضة البهیة فی شرح لمعة الدمشقیة، محقق سید محمد کلانتر،

۱۰ جلد، قم، انتشارات داور، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.

۳۲. شیخ صدوق، محمد بن علی بن حسین، من لا یحضره الفقیه، محقق علی اکبر غفاری، چهار

جلدی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق.

۳۳. صافی گلپایگانی، شیخ لطف الله، هدایة العباد، دو جلدی، بی جا، دار القرآن الکریم لیتوگرافی: مولانا

جواد الائمه علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۱۶.

۳۴. طباطبایی حائری، سید علی بن محمد، ریاض المسائل، ۱۶ جلد، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ، اول، ۱۴۱۸ هـ.ق.
۳۵. طباطبایی مؤتمنی، حقوق اداری تطبیقی، تهران، سمت، چاپ دوم، ۱۳۸۷.
۳۶. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، حقوق اداری، تهران، سمت، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۵.
۳۷. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن بن علی بن حسن، المبسوط فی فقه الامامیه، محقق، کشفی، محمدتقی حاشیه نویس؛ بهبودی، محمدباقر، هشت جلدی، تهران، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية چاپ سوم، ۱۳۸۷ ق.
۳۸. طیب، سید عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیرالقرآن، ۱۴ جلد، تهران، انتشارات اسلام، چاپ دوم، ۱۳۷۸.
۳۹. عابدی، مونا، «جرائم قانونی کارمند به هنگام تأخیر و کوتاهی وظایف»، بهمن ۱۴۰۰.
<https://www.vakilkar>
۴۰. عاملی، سید جواد بن محمد حسینی، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامة، ۲۳ جلد، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۱۹ هـ.ق.
۴۱. عباسی، حقوق اداری، تهران، دادگستر، چاپ اول، ۱۳۸۹.
۴۲. عراقی، سید عزت ا...، حقوق کار، ۲ جلد، سازمان سمت، ۱۳۹۲.
۴۳. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تذکره الفقهاء، ۱۴ جلد، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ اول، ۱۴۱۴ هـ.ق.
۴۴. علم الهدی، سید شریف مرتضی، الانتصار فی انفرادات الإمامیه، ۱ جلد، قم، نشر اسلامی جامعه مدرسین، بی تا.
۴۵. فاضل موحّدی لنکرانی، شیخ محمد، تفصیل الشریعه - الصوم و الاعتکاف، ۱ جلد، قم، مرکز فقه الاثمه الطهار (ع)، چاپ اول، ۱۴۲۶.
۴۶. قانون مدیریت خدمات کشوری، ۱۳۸۶.
۴۷. قرائتی، محسن، تفسیر نور، ۱۲ جلد، تهران، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، چاپ یازدهم، ۱۳۸۳.
۴۸. قمی، شیخ عباس، غایت القصوی، ۲ جلد، تهران، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، بی تا.
۴۹. کاتوزیان، ناصر، الزامهای خارج از قرارداد، تهران، انتشارات دانشگاه، چاپ ششم، ۱۳۸۶.
۵۰. کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، تهران، نشر میزان، چاپ هفدهم، ۱۳۸۷.

۵۱. کلینی، ابی جعفر بن محمد بن یعقوب بن اسحاق، فروع من الکافی، تعلیق علی اکبر غفاری، ۸ جلد، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۶۷.
۵۲. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار، ۱۰۴ جلد، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، بی تا.
۵۳. محقق حلی، شیخ نجم الدین جعفر بن حسن بن یحیی بن سعید، شرایع الاسلام، ۴ جلد، تهران، استقلال، چاپ دوم، ۱۴۰۹ ق.
۵۴. محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقهیه، ۱ جلد، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۹۰.
۵۵. مصباح، محمد تقی، آموزش عقاید، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷.
۵۶. مظفر، محمد رضا، اصول فقه، ۴ جلد، قم، مؤسسه نشر اسلامی تابعه جامعه مدرسین، چاپ پنجم، ۱۴۳۰ ق.
۵۷. موسوی بجنوردی، سید محمد بن حسن، قواعد فقهیه، ۲ جلد، بی جا، انتشارات مجد، ۱۳۸۵.
۵۸. نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ۴۳ جلد، بیروت - لبنان، دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ ه.ق.
۵۹. نیک ثبت، «شرکت های خصوصی و دولتی از نظر ثبت»، بی تا، (تاریخ دسترسی: ۱۸ خرداد ۱۳۹۸) <https://nikregister.com>
۶۰. هادانا، «حکم رفتن به سر کار در اعتکاف»، ۲۵ فروردین ۱۳۹۵، (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۸/۰۶/۱۵)، <http://hadana.ir>
۶۱. هداوند، مهدی و مهدی، علی، اصول حقوق اداری (در پرتو آرای دیوان عدالت اداری)، تهران، خرسندی، چاپ اول، ۱۳۸۸.